

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

### بخش سی و هفتم

۲۷ می ۲۰۱۴

#### ۶- کوشش برای تشدید مبارزه به ضد مهاجمان جدید، المانی ها، و برای درهم شکستن ارتجاع

تسلیم ایتالیای فاشیست در ۸ سپتمبر ۱۹۴۳ اعلام شد. این امر نتیجه شکست های سخت ارتش های المان و ایتالیا در جبهه شوروی – المان و در افریقای شمالی، نتیجه پیاده شدن سپاهیان متفقین در جنوب ایتالیا بود. این امر نتیجه اعتلای سریع مقاومت توده های خلق ایتالیا علیه جنگ و فاشیسم نیز بود. خلق البانی که مدت چهار سال و نیم برای بر انداختن یوغ اشغالگران ایتالیایی به مبارزه ای بی امان مباردت جسته بود مستقیماً در این امر سهم مهمی داشت.

#### وضع جدید پس از تسلیم ایتالیا و اشغال کشور به وسیله نازی های المانی

ستاد کل ارتش رهائیبخش البانی، با توجه به موافقتنامه تسلیم ایتالیای فاشیست بیدرنگ اختاری به ارتش اشغالگران ایتالیایی فرستاد و خواست که با اسلحه بر زمین گذارد و یا با ارتش رهائیبخش البانی علیه المان هیتلری متحد شود. سر فرماندهی ایتالیایی به این اخطار پاسخ نگفت و به سپاهیان ایتالیایی در البانی دستور داد که به المان ها تسلیم شوند. اما ۱۵ هزار سرباز و افسر ایتالیایی که به ارتش رهائیبخش ملی تسلیم شدند از این فرمان پیروی نکردند. حزب کمونیست البانی مراقبت ورزید که علی رغم اقدامات وحشیانه ای که ارتش فاشیست ایتالیا در البانی مرتکب شده بود از این سربازان و افسران در همه جا برادرانه استقبال شود. اما مسؤولان عمده این اعمال سفاکانه می بایست جوابگوی تبهکاری های خود باشند و بیدرنگ پس از اسیر شدن، در هر کجا که باشند در روزگار جنگ یا پس از آن، به سختی مجازات ببینند.

از میان سربازان ایتالیایی که به نیرو های ارتش رهائیبخش ملی تسلیم شدند قریب ۱۵۰۰ تن پذیرفتند که اسلحه به دست در صفوف واحد های پارتیزانی البانی علیه نازی های المانی بکنند. گردان «آنتونیوگرامشی» تشکیل شد و در جزو نخستین تیپ ضربتی ارتش رهائیبخش ملی در آمد. سایر سربازان که نمی خواستند بکنند در مناطق آزاد شده

کشور پناه یافتند و دهقانان علی رغم دشواری های اقتصادی خارق العاده خویش با دست و دل باز از آنها پذیرائی کردند.

المان ها، این مهاجمان جدید، در البانی بر جای اشغالگران ایتالیائی نشستند. در همه جا با نبرد های سخت روبه رو شدند. در جاده استروژا - لیبراش در اشویسا نزدیک ولورا، بر سر پل کاردیک نزدیک ژیروکاسترو، در طول جاده الباسان - تیرانا، در کروژا، در کنیسپول، در دلوینا و در ساراندا، در بیلشیت، در طول جاده کورچا - لسکوویک و در سایر نقاط، واحد های ارتش رهائیبخش ملی ضربات سخت بر این مهاجمان نو رسیده وارد آوردند و مانع شدند که آنها سراسر البانی را فراگیرند. قسمت اعظم مناطق کشور و برخی از شهر های آزاد شده، آزاد ماندند.

تجاوزکاران المانی قریب ۷۰ هزار نفر به البانی فرستادند. این نیرو ها همین که در البانی مستقر شدند به خاموش کردن جنبش رهائیبخش ملی پرداختند و در صدد بر آمدند که از خلق البانی خدمتگاری برای المان بسازند. نازی ها برای نیل به منظور خویش در آغاز این تکتیک را به کار بردند که رژیم اشغالی را پرده پوشی کنند و مردم را با طرح تسخیر «استقلال ملی» و «تشکیل دولت مستقل البانی» بفریبند. آنان جنجال کنان اعلام داشتند که به عنوان دوست و همانا «به منظور رهائی البانی از یوغ ایتالیا» به البانی قدم گذاشتند و «اگر خلق البانی به ارتش المان در مبارزه با کمونیسم یاری دهد، ارتش المان» استقلال وی را تضمین خواهد کرد! «آنان از کلیه کسانی که به کوهستان زده بودند دعوت کردند که اسلحه بر زمین بگذارند و به خانه های خویش باز گردند زیرا که اکنون رسالت آنها با مساعدت ارتش المان کاملاً انجام گرفته است! هیتلری ها خائنان را بر انگیخته و یاری دادند که «جدائی البانی از ایتالیا» را اعلام کنند و ارگان های «کشور مستقل البانی» را نظیر «کمیته اجرایی»، «شورای سلطنتی»، «دولت البانی»، «ارتش البانی»، «ژاندارمری البانی» و غیره به وجود آوردند! و این مانور با تبلیغات پر سر و صدائی از طرف مرتجعان همراه بود.

اما هیتلری ها هر تکتیکی که به کار می بردند هرگز نمی توانستند تجاوز خویش را بر البانی پوشیده بدارند. حزب کمونیست از مدت ها پیش به خلق البانی توضیح داده بود که نازی های المانی چه دشمنان درنده ای برای او خواهد بود. نازی ها همان روزی که ماه جولای ۱۹۴۳ که برای نخستین بار وارد البانی شدند، بورووا را به خاک یکسان کردند و همه مردم ده را، و حتی نوزادان را نابود ساختند.

خلق البانی تحت رهبری حزب کمونیست به فریب عوام فریبی های نازیان دچار نشد و با شوری بیشتر به نبرد به ضد مهاجمان نو رسیده ادامه داد هنوز یک ماه نگذشته بود که هیتلری ها بر خصومت تسکین ناپذیر خلق البانی با هر «شورای سلطنتی» و با هر «دولت البانی» دشمنیاری اطمینان حاصل کردند.

در پائیز ۱۹۴۳ در سراسر کشور واحد ها و قسمت های ارتش رهائیبخش ملی به حملات سخت بر سپاهیان هیتلری و نیرو های ارتجاعی دست زدند و چند هزار تن از دشمنان را بر خاک افکندند. در روز ۱۸ اکتوبر توپخانه ارتش رهائیبخش ملی البانی مجلس کیسیلینگ ها را که به ابتکار فرماندهی المانی گرد آمده بودند بمباران کرد و همان روز حزب کمونیست البانی تراکتی در تیرانا انتشار داد با این عنوان «خلق با چه زبان به مجلس گشتاپو سخن می گوید؟ با زبان توپ»<sup>۱</sup>

به موازات نبردهائی که به وسیله ارتش رهائیبخش ملی صورت می گرفت پارتیزان ها در مناطق و شهر های اشغال شده به عملیات اغفال گرانه گوناگونی دست می زدند و سازماندهی عملیات مذکور روز به روز بهتر می شد.

کمیته مرکزی حزب دقیقاً مراقبت داشت که مبارزه علیه اشغالگران نو رسیده با حدت و بدون وقفه در اطراف و اکناف البانی صورت گیرد و به این منظور فعالیت شدیدی انجام می داد، کمیته مرکزی پس از اطلاع از این که ستاد منطقه

۱- اعلامیه ها و تراکت های حزب کمونیست البانی، ۱۹۴۱ - ۱۹۴۴. تیرانا ۱۹۶۲. صفحه ۳۱۰

برات، به فرماندهی گزین مارکو، موقتاً به سربازان المانی اجازه داده است که آزادانه وارد برات آزاد شده، شوند این عمل را جنایت خواند و قویاً محکوم کرد. در آن موقع انور خوجه به ستاد منطقه ئی چنین نوشت:

«خیلی چیزها از یک فرماندهی پارتیزان انتظار داشتیم ولی این که او حتی، یک لحظه، با شرورترین دشمن خلق ما و بشریت راه سازگاری در پیش گیرد، چنین چیزی را هرگز تصور نمی کردیم... اگرچه همه سپاهیان خود را از دست می دادید، اگرچه تمام موفقیت های به دست آمده را در خطر می انداختید نمی بایست در هیچ حالتی با نازی های درنده کنار بیائید»<sup>۲</sup>

اشغال کشور به وسیله سپاهیان المان وضع جدیدی در البانی به وجود آورد. خصوصیت وضع جدید آن بود که کلیه گروه ها، جریانات و نیرو های ارتجاعی به گرد تجاوزکاران نو رسیده جمع شدند و در همه جا به مبارزه مسلحانه آشکار علیه جنبش رهاییبخش ملی دست زدند.

ارتجاع داخلی روز به روز بیشتر احساس می کرد که تنها با نیروی خود نمی تواند با وضع موجود به مقابله برخیزد. این ناتوانی ارتجاع و تطبیق هدف های وی با هدف های تجاوزکاران المانی باعث شد که خیانت کاران البانی، آشکارا کمک و حمایت نازی ها را طلب کنند و کلیه نیرو های خویش را در زیر فرماندهی آنان بگذارند.

ادامه دارد...

<sup>2</sup>- نامه به ستاد منطقه برات، ۵ نوامبر ۱۹۴۳، بایگانی مرکزی حزب.